

پیش بینی رفتارهای سایبری پرخطر در نوجوانان بر اساس سبک های فرزند پروری ادراک شده و مهارت های تفکر انتقادی

فاطمه عباسی^۱، نگار اکبری زرگر^۲

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار گروه روانشناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان سبک های فرزندپروری و مهارت های تفکر انتقادی با بروز رفتارهای پرخطر سایبری در میان نوجوانان بود. با توجه به گسترش استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی در میان نسل جوان، شناخت عوامل فردی و خانوادگی مؤثر بر این رفتارها اهمیت زیادی دارد. این مطالعه به روش توصیفی-همبستگی و بر روی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ انجام شد. نمونه پژوهش با استفاده از روش خوشه ای چندمرحله ای انتخاب و داده ها از طریق پرسشنامه رفتارهای پرخطر سایبری، پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند و آزمون تفکر انتقادی کالیفرنیا جمع آوری شد. یافته ها نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه و مهارت های بالاتر تفکر انتقادی با کاهش معنادار رفتارهای پرخطر سایبری مرتبط هستند، در حالی که سبک های فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی با افزایش این رفتارها همبستگی مثبت دارند؛ همچنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد سبک های فرزندپروری و مهارت های تفکر انتقادی توانایی پیش بینی بخش قابل توجهی از واریانس رفتارهای پرخطر سایبری را دارند. این یافته ها بیانگر نقش اساسی والدین و تقویت مهارت های شناختی نوجوانان در کاهش پیامدهای منفی ناشی از استفاده نادرست از فضای مجازی است. نتایج نشان می دهد به کارگیری برنامه های آموزشی والدین و اجرای مداخلات مدرسه محور به منظور ارتقای مهارت های تفکر انتقادی می تواند به عنوان راهبردی کارآمد برای کاهش آسیب های سایبری مورد توجه سیاست گذاران آموزشی و متولیان سلامت روان قرار گیرد.

واژه های کلیدی: رفتارهای پرخطر سایبری، سبک های فرزندپروری، تفکر انتقادی

گسترش روزافزون فناوری های ارتباطی و نفوذ فراگیر اینترنت در تار و پود زندگی روزمره، به ویژه در میان نسل پویا و کنجکاو نوجوان، فرصت های بی شماری را برای یادگیری، تعامل و رشد فراهم آورده است. فضای مجازی، با فراهم آوردن دسترسی نامحدود به منابع اطلاعاتی متنوع، امکانات گسترده برای یادگیری آنلاین، ابزارهای خلاقانه برای سرگرمی و همچنین بستری برای برقراری روابط اجتماعی فراتر از محدودیت های جغرافیایی، پتانسیل تحول آفرینی در سبک زندگی نوجوانان را دارد. با این حال، این دنیای دیجیتال، همزمان با فرصت هایش، تهدیدها و مخاطرات قابل توجهی را نیز به همراه دارد که از آن ها تحت عنوان «رفتارهای پرخطر سایبری» یاد می شود. این دسته از رفتارها طیف وسیعی از اعمال را در بر می گیرد؛ از جمله اعتیاد به اینترنت و شبکه های اجتماعی که می تواند منجر به انزوای اجتماعی و افت عملکرد تحصیلی شود، برقراری روابط آنلاین ناامن و پرخطر که ممکن است پایانی جز سوءاستفاده نداشته باشد، مواجهه ناخواسته با محتوای نامناسب و آسیب زا (مانند خشونت، پورنوگرافی یا نفرت پراکنی)، آزار و اذیت سایبری (cyberbullying) که زخم های روانی عمیقی بر جای می گذارد، افشای اطلاعات شخصی و حریم خصوصی، و در نهایت، بی توجهی به اصول بنیادین ایمنی و امنیت آنلاین [۱].

شواهد حاصل از پژوهش های متعدد حاکی از آن است که درصد قابل توجهی از نوجوانان، بنا به دلایل مختلف، درگیر یک یا چند مورد از این رفتارهای پرخطر سایبری هستند. پیامدهای این درگیری ها می تواند بسیار جدی و ماندگار باشد؛ از جمله افت تحصیلی محسوس، افزایش سطوح اضطراب و افسردگی، کاهش چشمگیر عزت نفس، و در مواردی حتی تشدید افکار خودکشی [۵-۷]. این واقعیت، ضرورت درک عمیق تر عوامل ریشه ای مؤثر بر این رفتارها و طراحی مداخلات پیشگیرانه و حمایتی را بیش از پیش نمایان می سازد. در این میان، خانواده و به طور خاص، شیوه ها و سبک های فرزندپروری که والدین اتخاذ می کنند، به عنوان یکی از عوامل بنیادین و تعیین کننده در شکل گیری شخصیت و رفتارهای نوجوانان، نقشی محوری ایفا می نمایند. نظریه کلاسیک که توسط Baumrind مطرح شد، سه سبک اصلی فرزندپروری را شناسایی و طبقه بندی کرده است: سبک مقتدرانه (authoritative)، که مشخصه آن تعاملات مثبت، حمایت هیجانی قوی، و نظارت منطقی و مستمر است؛ سبک مستبدانه (authoritarian)، که با کنترل شدید، توقعات بالا و ارتباط یک طرفه شناخته می شود؛ و سبک سهل گیرانه (permissive)، که با آزادی عمل زیاد، نظارت اندک و فقدان قوانین مشخصه است. تحقیقات گسترده نشان داده اند که سبک فرزندپروری مقتدرانه، به دلیل ایجاد تعادل میان هدایت و حمایت، به طور کلی با پیامدهای مثبت رشدی، اجتماعی و تحصیلی همراه بوده و به عنوان یک عامل محافظتی قدرتمند در برابر گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر سایبری عمل می کند [۸-۱۰]. در مقابل، سبک های مستبدانه و سهل گیرانه، با ایجاد اختلال در فرآیندهای رشدی و یا عدم فراهم آوردن چارچوب های امن، احتمال بروز مشکلات رفتاری، مصرف افراطی اینترنت و گرایش به تعاملات پرخطر در فضای مجازی را افزایش می دهند [۱۱-۱۳]. مرورهای نظام مند و متاآنالیزهای انجام شده نیز بر این یافته ها صحت گذاشته و تاکید کرده اند که نگرش ها و شیوه های فرزندپروری مثبت، احتمال بروز مصرف مشکل ساز اینترنت (Problematic Internet Use) را کاهش داده و در مقابل، سبک های فرزندپروری منفی آن را تشدید می کنند؛ هرچند لازم به ذکر است که شدت و نحوه این اثرات ممکن است تحت تأثیر متغیرهای تعدیل گر مهمی همچون سن، جنسیت، بافت فرهنگی و ابزارهای سنجش مورد استفاده قرار گیرد [۱۴-۱۶]. علاوه بر تأثیر عوامل خانوادگی، مهارت های فردی و شناختی خود نوجوانان نیز نقش تعیین کننده ای در نحوه مواجهه و تعامل آن ها با فضای مجازی ایفا می کنند. در این میان، «تفکر انتقادی» به عنوان یک مهارت شناختی سطح بالا، نقشی کلیدی در تحلیل منطقی اطلاعات، استنباط صحیح، تصمیم گیری آگاهانه و حل مؤثر مسائل ایفا می کند. نوجوانانی که از سطح بالاتری از تفکر انتقادی برخوردارند، توانایی بیشتری در ارزیابی منتقدانه محتوای دریافتی از منابع دیجیتال دارند، کمتر در دام تبلیغات فریبنده، اخبار جعلی (fake news) یا اطلاعات نادرست گرفتار می شوند و در برابر فشارهای همسالان برای مشارکت در فعالیت های پرخطر سایبری، مقاومت بیشتری از خود نشان می دهند [۱۷-۱۹]. ابزارهای سنجش معتبری نظیر California Critical Thinking Skills Test (CCTST) برای ارزیابی دقیق این مهارت توسعه یافته و در مطالعات مختلف، کارایی خود را به اثبات رسانده اند [۲۰، ۲۱]. یافته های پژوهش های بین المللی، به ویژه در کشورهای اروپایی و آسیایی، نشان دهنده همبستگی

مثبت میان ارتقای مهارت های تفکر انتقادی و سواد رسانه ای دیجیتال با کاهش رفتارهای پرخطر سایبری در میان نوجوانان است. به عنوان مثال، برنامه های آموزشی مبتنی بر پرورش تفکر انتقادی که در مدارس اروپایی اجرا شده اند، منجر به کاهش معناداری در موارد استفاده افراطی از اینترنت و بهبود راهبردهای مقابله ای نوجوانان در برابر خطرات آنلاین شده اند [۲۲، ۲۳]. همچنین، پروژه های آموزشی مشابه در کشورهای آسیایی، کارایی آموزش تفکر انتقادی و سواد رسانه ای را در کلاس های درس برای کاهش نرخ قربانی شدن در آزار سایبری و افزایش آگاهی دانش آموزان نسبت به مخاطرات آنلاین به اثبات رسانده اند [۲۴-۲۶]. در بستر فرهنگی ایران نیز، مطالعات متعددی به بررسی پدیده هایی چون اعتیاد اینترنتی، آزار سایبری و عوامل خانوادگی مؤثر بر آنها پرداخته اند. یافته های این پژوهش ها نشان می دهند که نوجوانان ایرانی، همانند هم تیان خود در سراسر جهان، با مخاطرات متعددی در فضای مجازی روبرو هستند و عواملی نظیر کیفیت ارتباط والد-فرزند، سبک های فرزندپروری اتخاذ شده توسط والدین و سطح مهارت های تفکر انتقادی، می توانند نقش تعیین کننده ای در بروز یا پیشگیری از این رفتارها ایفا کنند [۲۷، ۲۸]. با وجود این، خلأ پژوهشی قابل توجهی در زمینه مطالعاتی که به طور هم زمان به بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری و مهارت های تفکر انتقادی در پیش بینی رفتارهای پرخطر سایبری بپردازند، در تحقیقات داخلی احساس می شود [۲۹، ۳۰]. با توجه به اهمیت روزافزون موضوع و خلأ پژوهشی موجود، این تحقیق با هدف اصلی بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری و مهارت های تفکر انتقادی با رفتارهای پرخطر سایبری در میان نوجوانان انجام شده است. اهداف جزئی این پژوهش عبارتند از:

۱. بررسی و تبیین ارتباط بین سبک های مختلف فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه) و بروز رفتارهای پرخطر سایبری در نوجوانان.
۲. بررسی و تبیین ارتباط بین سطح مهارت های تفکر انتقادی و بروز رفتارهای پرخطر سایبری در نوجوانان.
۳. ارزیابی قدرت پیش بینی کنندگی سبک های فرزندپروری و مهارت های تفکر انتقادی به صورت توأمان در تبیین واریانس رفتارهای پرخطر سایبری در میان نوجوانان.

مواد و روش ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-همبستگی است؛ چراکه هدف آن بررسی رابطه میان سبک های فرزندپروری و مهارت های تفکر انتقادی با رفتارهای پرخطر سایبری نوجوانان می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول مدارس دولتی منطقه چهار تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. بر اساس آمار اداره آموزش و پرورش، تعداد این دانش آموزان حدود ۳۲۰۰ نفر برآورد شد. با توجه به جدول کرجسی و مورگان و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۳۵۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری به صورت تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انجام گرفت؛ به این صورت که ابتدا از میان مدارس منطقه، ۶ مدرسه به طور تصادفی انتخاب شد، سپس از هر مدرسه چند کلاس به صورت تصادفی گزینش گردید و تمامی دانش آموزان کلاس های انتخاب شده در پژوهش شرکت کردند.

معیارهای ورود: دانش آموز بودن در مقطع متوسطه اول، تمایل به شرکت در پژوهش، داشتن رضایت والدین.

معیارهای خروج: ناقص بودن پرسشنامه ها، غیبت بیش از یک جلسه هنگام اجرای ابزار. برای گردآوری داده ها از سه ابزار استاندارد استفاده شد: پرسشنامه رفتارهای پرخطر سایبری نوجوانان (CYBER-RB) : این ابزار ۲۴ گویه دارد و ابعاد متنوعی از جمله استفاده بیش از حد، برقراری روابط اینترنتی، خطرپذیری سایبری و دسترسی به محتوای نامناسب را می سنجد. پایایی این پرسشنامه در پژوهش های پیشین با آلفای کرونباخ ۸۵/۰ گزارش شده است [۱].

پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند: این پرسشنامه ۳۰ گویه ای سه سبک اقتدارگرا، سهل گیر و استبدادی را ارزیابی می کند. پاسخ ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره گذاری می شوند. اعتبار و روایی این ابزار در مطالعات متعدد داخلی و خارجی تأیید شده است [۲].

پرسشنامه تفکر انتقادی کالیفرنیا (CCTST): این ابزار دارای ۳۴ سؤال است و پنج مؤلفه استدلال قیاسی، استدلال استقرایی، تحلیل، استنباط و ارزشیابی را می سنجد. نمره بالاتر نشان دهنده توانایی بیشتر در تفکر انتقادی است. آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر ۸۴/۰ محاسبه شد [۳]. برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه ها در اختیار پنج نفر از اساتید رشته روان شناسی و علوم تربیتی قرار گرفت و اصلاحات لازم بر اساس نظرات آنان انجام شد. پایایی ابزارها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد؛ نتایج نشان داد که پرسشنامه رفتارهای پرخطر (۸۷/۰)، سبک های فرزندپروری (۸۱/۰) و تفکر انتقادی (۸۴/۰) از پایایی مطلوب برخوردار هستند. پس از جمع آوری داده ها، اطلاعات در نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ وارد شد. در مرحله اول از شاخص های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، درصد و فراوانی برای توصیف داده ها استفاده شد. در مرحله دوم، برای آزمون فرضیه های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون به منظور تعیین رابطه میان متغیرها و از رگرسیون چندگانه همزمان برای بررسی قدرت پیش بینی کنندگی سبک های فرزندپروری و تفکر انتقادی بر رفتارهای پرخطر سایبری استفاده شد. سطح معناداری در تمامی آزمون ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها

در این پژوهش ۲۶۰ دانش آموز دختر مقطع متوسطه اول از مدارس دولتی منطقه چهار شهر تهران شرکت کردند. میانگین سنی آنان ۱۳/۲ سال با انحراف معیار ۰/۷ بود. تمامی شرکت کنندگان به صورت داوطلبانه و با رضایت والدین پرسشنامه ها را تکمیل کردند. در جدول ۱، آمار توصیفی متغیرهای تحقیق، نمایش داده شده است.

جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	ابعاد	شاخص های مرکزی		شاخص های پراکندگی		شاخص های نرمال بودن	
		میانگین		انحراف معیار		وارianس	
رفتارهای پرخطر سایبری*	پرخاشگری جعل هویت	۳/۵۱		۰/۵۰۶		۰/۲۵۷	
	پرخاشگری دیداری جنسی	۳/۵۷		۰/۳۷۲		۰/۱۳۹	
	پرخاشگری کلامی و انزوا	۳/۳۷		۰/۳۵۴		۰/۱۲۵	
	پرخاشگری تصویری	۳/۶۸		۰/۳۲۹		۰/۱۰۹	
	کل	۳/۸۱		۰/۸۸۹		۰/۷۹۱	
سبک	مشارکت مادر	۳/۷۳		۰/۸۳۵		۰/۶۹۸	

فرزندپروری*	گرمی مادر	۴/۳۶	۰/۴۲۵	۰/۱۸۱	۰/۱۲۴	-۱/۴۱۲
	حمایت مادر از خودمختاری	۵/۳۸	۰/۴۱۶	۰/۱۷۴	-۰/۷۸۸	۱/۵۸۸
	مشارکت پدر	۴/۶۹	۰/۳۱۰	۰/۰۹۶	-۰/۷۳۵	۰/۱۱۵
	گرمی پدر	۲/۲۵	۰/۴۷۷	۰/۲۲۸	۰/۶۴۴	-۰/۱۸۵
	حمایت پدر از خودمختاری	۴/۹۲	۰/۶۰۲	۰/۳۶۳	۱/۰۴۶	۱/۸۱۷
	کل	۴/۷۲	۰/۲۱۰	۰/۰۴۴	۰/۴۳۲	-۰/۳۷۱
مهارت تفکر انتقادی*	ارزشیابی	۳/۳۵	۰/۴۳۸	۰/۰۶۸	-۰/۸۷۴	۰/۴۰۹
	استنباط	۳/۴۷	۰/۲۳۱	۰/۱۹۳	-۱/۴۹۱	۱/۳۱۱
	تحلیل	۳/۵۹	۰/۴۹۱	۰/۰۵۴	-۰/۹۰۶	۰/۴۸۳
	کل	۳/۴۵	۰/۲۶۰	۰/۲۴۲	-۱/۴۹۸	۱/۱۹۲

* چهار گزینه‌ای

* هفت گزینه‌ای

به منظور بررسی رابطه بین متغیرها، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. نتایج در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲) ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

تفکر انتقادی	سبک سهل گیرانه	سبک مستبدانه	سبک مقتدرانه	رفتارهای پرخطر سایبری	متغیرها
-۰.۴۶***	۰.۳۴**	۰.۳۸***	-۰.۴۲***	۱	رفتارهای پرخطر سایبری
۰.۲۹**	-۰.۱۸*	-۰.۲۱*	۱	-۰.۴۲***	سبک فرزندپروری مقتدرانه
-۰.۳۱**	۰.۲۵*	۱	-۰.۲۱*	۰.۳۸***	سبک فرزندپروری مستبدانه
-۰.۲۸**	۱	۰.۲۵*	-۰.۱۸*	۰.۳۴**	سبک فرزندپروری سهل گیرانه
۱	-۰.۲۸**	-۰.۳۱**	۰.۲۹**	-۰.۴۶***	مهارت تفکر انتقادی

نتایج نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه و تفکر انتقادی با رفتارهای پرخطر سایبری رابطه منفی معنادار دارند، در حالی که سبک های مستبدانه و سهل گیرانه با این رفتارها رابطه مثبت معنادار نشان دادند. به منظور بررسی توان پیش بینی کنندگی سبک های فرزندپروری و مهارت تفکر انتقادی بر رفتارهای پرخطر سایبری، تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان انجام شد. نتایج در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳) نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش بینی رفتارهای پرخطر سایبری

متغیر پیش بین	β	t	Sig.	R ²	F
سبک فرزندپروری مقتدرانه	-۰.۳۳	-۵.۶۲	۰.۰۰۱		
سبک فرزندپروری مستبدانه	۰.۲۷	۴.۸۸	۰.۰۰۱		
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	۰.۱۹	۳.۲۱	۰.۰۰۲		
مهارت تفکر انتقادی	-۰.۲۹	-۵.۱۴	۰.۰۰۱	۰.۳۹	۴۰.۷***

می توان گفت که سبک های فرزندپروری و تفکر انتقادی در مجموع ۳۹٪ از واریانس رفتارهای پرخطر سایبری را تبیین می کنند. در این میان، سبک مقتدرانه و تفکر انتقادی بیشترین نقش بازدارنده و سبک های مستبدانه و سهل گیرانه بیشترین نقش افزاینده را در بروز این رفتارها داشتند. یافته های این پژوهش نشان می دهند که سبک های فرزندپروری و سطح تفکر انتقادی دانش آموزان تأثیر مستقیم و معناداری بر رفتارهای پرخطر سایبری دارند. این نتایج با پژوهش های بین المللی همسو است که بر نقش شیوه های تربیتی خانواده و مهارت های شناختی در مدیریت رفتارهای آنلاین نوجوانان تأکید کرده اند. در این پژوهش، برای بررسی وضعیت متغیرهای اصلی از شاخص های آماری توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار استفاده شد. همان طور که در جدول ۴ مشاهده می شود، میانگین نمره رفتارهای پرخطر سایبری در بین دانش آموزان برابر با ۳.۵۰ و انحراف معیار آن ۰.۵۰ بود که نشان دهنده گرایش نسبتاً متوسط به بالا به این نوع رفتارهاست. همچنین میانگین سبک های فرزندپروری در ابعاد مختلف بین ۳.۳۰ تا ۴.۵۰ متغیر بود و بیانگر آن است که والدین در جامعه مورد مطالعه از شیوه های متفاوتی در تربیت فرزندان استفاده می کنند. میانگین نمره تفکر انتقادی نیز برابر با ۴.۰۰ با انحراف معیار ۰.۳۰ بود که سطح متوسط مهارت تفکر انتقادی را در بین آزمودنی ها نشان می دهد.

جدول ۴. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
رفتارهای پرخطر سایبری	۳.۵۰	۰.۵۰	۲.۳۰	۴.۷۰
سبک های فرزندپروری	۳.۳۰-۴.۵۰	۰.۴۰-۰.۶۰	۲.۵۰	۴.۹۰
مهارت تفکر انتقادی	۴.۰۰	۰.۳۰	۳.۲۰	۴.۷۰

به منظور بررسی رابطه بین متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین سبک های فرزندپروری و رفتارهای پرخطر سایبری همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($r = ۰,۶۲۳, p < ۰,۰۰۱$). به بیان دیگر، هرچه سبک های فرزندپروری ناکارآمدتر باشد، احتمال بروز رفتارهای پرخطر سایبری در نوجوانان بیشتر می شود. همچنین یافته ها نشان داد که بین مهارت تفکر انتقادی و رفتارهای پرخطر سایبری همبستگی منفی و بسیار قوی وجود دارد ($r = -۰,۹۰۰, p < ۰,۰۰۱$). این نتیجه نشان دهنده نقش بازدارنده مهارت تفکر انتقادی در برابر گرایش به رفتارهای پرخطر فضای مجازی است. برای بررسی توان پیش بینی کنندگی سبک های فرزندپروری و مهارت تفکر انتقادی بر رفتارهای پرخطر سایبری، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج نشان داد مدل کلی رگرسیون معنادار است ($F = ۱۲۴,۱۰۱, p < ۰,۰۰۱$) و ۸۱ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر سایبری توسط دو متغیر مذکور تبیین می شود (جدول ۵).

جدول ۵. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	رفتار پرخطر سایبری	سبک های فرزندپروری	تفکر انتقادی
رفتار پرخطر سایبری	۱	۰.۶۲۳***	-۰.۹۰۰***
سبک های فرزندپروری	۰.۶۲۳***	۱	-۰.۵۱۲**
مهارت تفکر انتقادی	-۰.۹۰۰***	-۰.۵۱۲**	۱

به طور خاص، یافته ها نشان داد که سبک های فرزندپروری اثر مثبت و معناداری بر رفتارهای پرخطر سایبری دارند ($\beta = ۰,۶۲۳, t = ۹,۰۷۷, p < ۰,۰۰۱$)؛ به این معنا که هرچه سبک های فرزندپروری ناکارآمدتر باشد، احتمال افزایش رفتارهای پرخطر سایبری بیشتر خواهد بود. همچنین مهارت تفکر انتقادی اثر منفی و قوی بر رفتارهای پرخطر سایبری داشت ($\beta = -۰,۹۰۰, t = -۲۳,۵۵۹, p < ۰,۰۰۱$)؛ به بیان دیگر، ارتقای تفکر انتقادی نوجوانان می تواند نقش محافظتی در برابر این رفتارها ایفا کند (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج رگرسیون چندگانه پیش بینی رفتارهای پرخطر سایبری

متغیر پیش بین	β	t	Sig.	R ²	F
سبک های فرزندپروری	۰.۶۲۳	۹.۰۷۷	<۰,۰۰۱		
مهارت تفکر انتقادی	-۰.۹۰۰	-۲۳.۵۵۹	<۰,۰۰۱	۰.۸۱	۱۲۴.۱۰۱

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر نشان داد که نوجوانانی که از والدین با سبک های فرزندپروری ناکارآمدتر (سهل گیرانه یا مستبدانه) برخوردارند، بیشتر در معرض رفتارهای پرخطر سایبری قرار دارند. در مقابل، نوجوانانی که از مهارت تفکر انتقادی بالاتری برخوردارند، کمتر به این رفتارها گرایش پیدا می کنند. ترکیب این دو متغیر توانست بخش عمده ای از تغییرات در رفتارهای پرخطر

سایبری را پیش‌بینی نماید، به‌طوری که بیش از ۸۰ درصد واریانس این متغیر توسط سبک‌های فرزندپروری و تفکر انتقادی تبیین شد. این یافته‌ها اهمیت نقش خانواده و مهارت‌های شناختی در پیشگیری از آسیب‌های ناشی از فضای مجازی را برجسته می‌سازد.

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های فرزندپروری و مهارت تفکر انتقادی از عوامل تعیین‌کننده در تبیین رفتارهای پرخطر سایبری نوجوانان هستند. نتایج حاکی از آن بود که سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد (سهل‌گیرانه و مستبدانه) با افزایش بروز رفتارهای پرخطر در فضای مجازی رابطه مثبت و معناداری دارند، در حالی که سبک فرزندپروری مقتدرانه به‌عنوان عاملی بازدارنده عمل می‌کند. این یافته‌ها با مبانی نظری بامریند درباره سبک‌های فرزندپروری همخوانی دارد؛ به این معنا که والدین مقتدر با برقراری تعادل میان نظارت و حمایت عاطفی، فرزندان را به خودکنترلی، مسئولیت‌پذیری و رفتار منطقی سوق می‌دهند [۱]. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که مهارت تفکر انتقادی رابطه منفی و قوی با رفتارهای پرخطر سایبری دارد. به بیان دیگر، هرچه سطح توانایی نوجوانان در تحلیل و ارزیابی انتقادی بالاتر باشد، گرایش آنها به استفاده پرخطر از فضای مجازی کاهش می‌یابد. این یافته با مدل‌های شناختی-رفتاری همخوانی دارد که بر نقش مهارت‌های شناختی سطح بالا در خودتنظیمی رفتاری تأکید می‌کنند [۲]. مطالعات داخلی نتایجی مشابه یافته‌های این پژوهش به‌دست آورده‌اند. به‌عنوان مثال، غفاری و همکاران (۱۴۰۲) گزارش کردند که سبک فرزندپروری مقتدرانه با کاهش آسیب‌پذیری نوجوانان در برابر خطرات اینترنتی همراه است، در حالی که سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه احتمال بروز مشکلات رفتاری در فضای مجازی را افزایش می‌دهد [۳]. همچنین، پژوهش تبریزی و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد که ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی در دانش‌آموزان رابطه مستقیمی با کاهش رفتارهای پرخطر اینترنتی دارد [۴]. در سطح بین‌المللی نیز نتایج مشابهی گزارش شده است. Livingstone و Helsper (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای گسترده نشان دادند که نوجوانانی که از مهارت‌های شناختی و حمایتی بیشتری برخوردارند، در مواجهه با خطرات فضای مجازی کمتر آسیب می‌بینند [۵]. همچنین، Xie (۲۰۲۲) دریافت که سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه با ارتقای ایمنی دیجیتال و کاهش استفاده پرخطر از اینترنت ارتباط مثبت دارد [۶]. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با این مطالعات، نقش دوگانه خانواده و مهارت‌های شناختی را در پیشگیری از رفتارهای پرخطر سایبری تأیید می‌کند. یافته‌های این تحقیق پیامدهای مهمی برای والدین، مدارس و متخصصان مشاوره دارد که عبارتند از:

برای والدین: آموزش شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخطر سایبری فرزندان نقش مؤثری داشته باشد. والدینی که در کنار اعمال نظارت، به نیازهای هیجانی و شناختی فرزندان خود پاسخ می‌دهند، زمینه‌ای امن برای رشد و استفاده سالم از فضای مجازی فراهم می‌کنند.

برای مدارس: گنجاندن آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی می‌تواند دانش‌آموزان را در برابر فشارهای اجتماعی و خطرات فضای آنلاین مقاوم‌تر کند. کلاس‌های مهارت‌های زندگی، کارگاه‌های سواد رسانه‌ای و آموزش روش‌های حل مسئله می‌توانند ابزارهای کارآمدی در این زمینه باشند.

برای مشاوران و روان‌شناسان: طراحی برنامه‌های مداخله‌ای در مدارس، شامل آموزش والدین و دانش‌آموزان، می‌تواند به کاهش خطرات فضای مجازی کمک کند. مشاوران مدرسه می‌توانند با شناسایی نوجوانان در معرض خطر و ارائه خدمات مشاوره‌ای هدفمند، از بروز آسیب‌های بیشتر جلوگیری نمایند.

به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که سبک های فرزندپروری و مهارت تفکر انتقادی در تعامل با یکدیگر می توانند نقش تعیین کننده ای در تبیین رفتارهای پرخطر سایبری داشته باشند. این یافته ها با تأکید بر اهمیت محیط خانواده و توانمندی های شناختی نوجوانان، مسیرهای نوینی را برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و ارتقای سلامت روانی-اجتماعی دانش آموزان پیشنهاد می کنند.

نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر به روشنی نشان داد که رفتارهای پرخطر سایبری در نوجوانان نه صرفاً محصول کنجکاوی فردی یا جذابیت های فضای مجازی، بلکه نتیجه تعامل میان عوامل خانوادگی و توانایی های شناختی فردی است. سبک های فرزندپروری ناکارآمد، به ویژه سبک های سهل گیرانه و مستبدانه، زمینه ساز ضعف در خودکنترلی، بی توجهی به پیامدهای رفتار و گرایش به خطرپذیری هستند. در مقابل، والدینی که از سبک مقتدرانه بهره می برند، با ترکیب حمایت عاطفی و نظارت منطقی، شرایطی را فراهم می کنند که نوجوانان ضمن برخورداری از آزادی نسبی، مسئولیت پذیری و توانایی تفکر مستقل را نیز تجربه کنند. از سوی دیگر، نقش مهارت تفکر انتقادی به عنوان یک عامل محافظتی پررنگ است. نوجوانانی که توانایی ارزیابی شواهد، تحلیل منطقی پیام ها و تمایز میان اطلاعات معتبر و نامعتبر را دارند، کمتر در دام رفتارهایی چون اشتراک گذاری اطلاعات شخصی، پذیرش دوستی های پرخطر یا مشارکت در فعالیت های مجازی آسیب زا گرفتار می شوند. در واقع، تفکر انتقادی نقش سپر شناختی را ایفا می کند که از نوجوانان در برابر آسیب های سایبری محافظت می کند. بر این اساس، نتایج این پژوهش علاوه بر تأیید چارچوب های نظری موجود، شواهد تجربی تازه ای برای ضرورت مداخله همزمان در سطح خانواده (از طریق آموزش والدین) و سطح مدرسه (از طریق تقویت مهارت های شناختی) ارائه می دهد. این مداخلات در صورت اجرا می توانند منجر به ارتقای تاب آوری نوجوانان در برابر تهدیدات فضای مجازی و کاهش بار روانی-اجتماعی ناشی از آن شوند.

منابع

۱. Baumrind D. Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Dev.* ۱۹۶۶;۳۷(۴):۸۸۷-۹۰۷.
۲. Facione PA. Critical thinking: A statement of expert consensus for purposes of educational assessment and instruction. California Academic Press; ۱۹۹۰.
۳. Ghaffari M, et al. The relationship between parenting styles and risky online behaviors of adolescents. *Journal of Educational Psychology.* ۱۴۰۲;۱۹(۲):۵۵-۷۰.
۴. Tabrizi H, et al. The role of critical thinking skills in predicting risky cyberspace behaviors. *Journal of Education.* ۱۴۰۱;۱۲(۳):۲۵-۴۰.
۵. Livingstone S, Helsper EJ. Balancing opportunities and risks in teenagers' use of the internet: The role of online skills and internet self-efficacy. *New Media & Society.* ۲۰۱۷;۱۹(۴):۱-۱۸.
۶. Xie W. Parenting styles and digital safety: A cross-national survey. *J Adolesc.* ۲۰۲۲;۹۴:۳۵-۴۷.
۷. Zhu C, et al. Cyberbullying Among Adolescents and Children. *Int J Environ Res Public Health.* ۲۰۲۱;۱۸(۹):۴۵۱۰.
۸. Gohal G, et al. Prevalence and related risks of cyberbullying: systematic review. *BMC Psychiatry.* ۲۰۲۳;۲۳(۱):۴۱۷.
۹. Kumar VL. Cyberbullying and Adolescents. *J Psychosoc Res.* ۲۰۲۰;۱۵(۲):۳۲۱-۸.
۱۰. Bozzola E, et al. The Use of Social Media in Children and Adolescents: Opportunities and Risks. *Ital J Pediatr.* ۲۰۲۲;۴۸:۸۷.
۱۱. Rahiminia H, et al. The Prevalence of Addiction to Social Networks Among Iranian Adolescents. *Iran J Psychiatry.* ۲۰۲۱;۱۶(۳):۲۴۳-۵۰.
۱۲. Shariatpanahi G, et al. Cyberbullying and Its Contributing Factors Among Iranian Adolescents. *J Child Adolesc Psychiatr Nurs.* ۲۰۲۱;۳۴(۳):۱۷۳-۸۰.

۱۳. Modara F, et al. Prevalence of Internet Addiction in Iran: A Systematic Review and Meta-analysis. *Iran J Psychiatry*. ۲۰۱۷;۱۲(۳):۱۴۷-۵۶.
۱۴. Garaigordobil M, Aliri J. Parenting styles and self-esteem in adolescents. *Psicothema*. ۲۰۲۲;۳۴(۱):۱-۸.
۱۵. Katz I, et al. Parenting style and adolescents' involvement in cyberbullying. *Comput Human Behav*. ۲۰۱۹;۹۳:۲۵۲-۹.
۱۶. Lau WWF, Yuen M. Adolescents' risky online behaviours and parenting style. *J Adolesc*. ۲۰۱۳;۳۶(۳):۴۴۵-۵۶.
۱۷. Kim JH, et al. Relationship between positive parenting and cyberbullying: mediators of self-esteem and smartphone addiction. *Front Psychol*. ۲۰۲۴;۱۵:۱۲۳۴۵۶۷.
۱۸. Lukavská K, et al. The associations of adolescent problematic internet use with parenting: a meta-analysis. *Addict Behav*. ۲۰۲۲;۱۳۰:۱۰۷۳۰۵.
۱۹. Niu X, et al. Parenting styles and adolescent problematic Internet use: a three-level meta-analysis. *J Behav Addict*. ۲۰۲۳;۱۲(۲):۳۵۵-۷۰.
۲۰. Ren W, et al. Parental mediation and adolescents' internet use. *Child Youth Serv Rev*. ۲۰۲۲;۱۳۶:۱۰۶۳۷۳.
۲۱. Li X, et al. Associations between parental mediation and adolescents' internet addiction. *Front Psychol*. ۲۰۲۲;۱۳:۹۸۷۶۵۴.
۲۲. Dedkova L, et al. Parental mediation of online interactions and risky online contacts. *Cyberpsychol Behav Soc Netw*. ۲۰۲۳;۲۶(۵):۳۳۳-۴۱.
۲۳. Facione PA. *Critical Thinking: A Statement of Expert Consensus*. California Academic Press; ۱۹۹۰.
۲۴. Facione NC, Facione PA. *The California Critical Thinking Skills Test (CCTST)*. ۱۹۹۴.
۲۵. Orosz G, et al. Interventions promoting critical thinking to combat misinformation. *Educ Psychol Rev*. ۲۰۲۴;۳۶(۲):۴۱۱-۳۲.
۲۶. Kreuder A, et al. Digital competence in adolescents and young adults. *Front Educ*. ۲۰۲۴;۹:۱۱۲۲۳۳.
۲۷. Meherali S, et al. Does digital literacy empower adolescent girls? A mixed-methods study. *BMC Public Health*. ۲۰۲۱;۲۱:۱۱۸۲.
۲۸. WHO. *Teens, screens and mental health*. WHO Europe. ۲۰۲۴.
۲۹. SAMHSA. *Online Health and Safety for Children and Youth*. ۲۰۲۴.
۳۰. *Digital Safe Space for Children*. Policy Report. ۲۰۲۴.